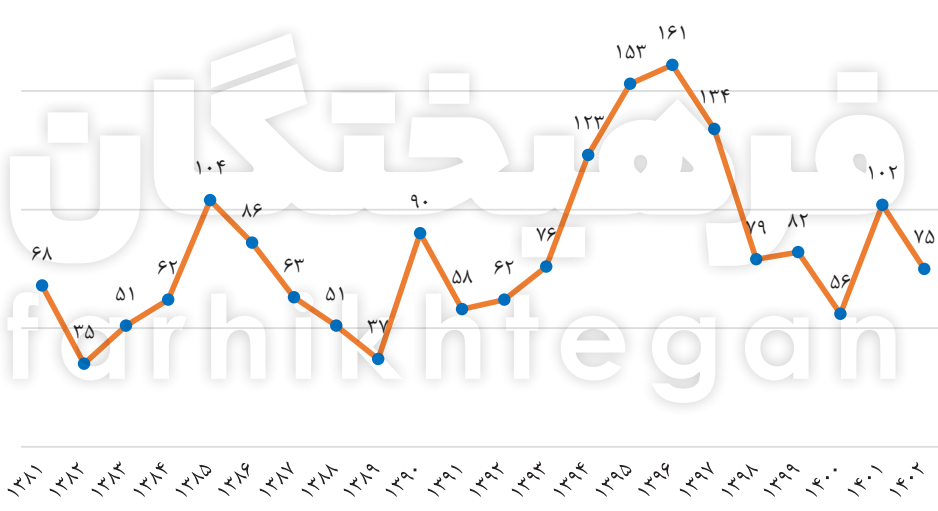


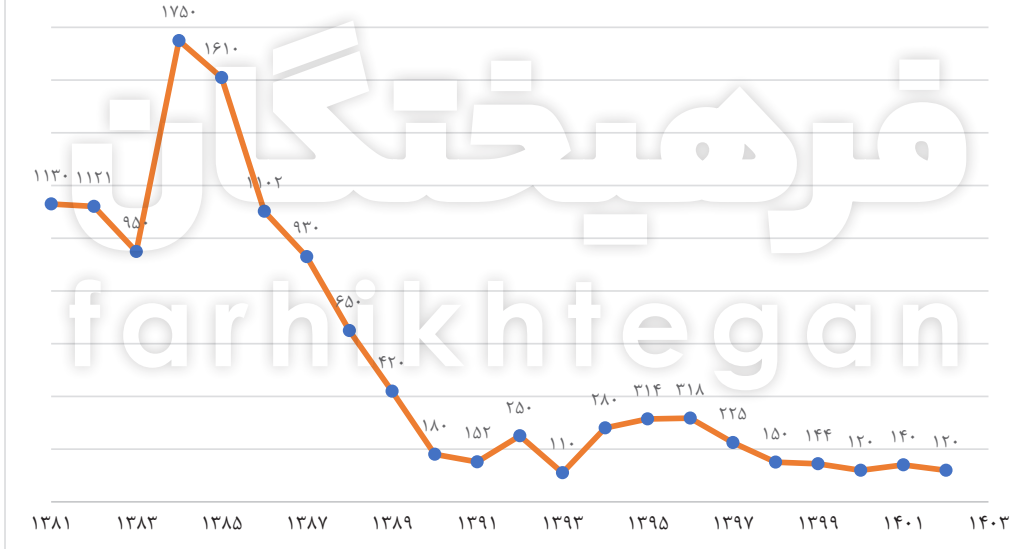
تعداد کتاب‌های منتشر و توزیع شده در خارج از کشور

سال	عنوان	شمارگان
۱۳۸۱	۶۸	۱۱۳۰
۱۳۸۲	۳۵	۱۱۲۱
۱۳۸۳	۵۱	۹۵۰
۱۳۸۴	۶۲	۱۷۵۰
۱۳۸۵	۱۰۴	۱۶۱۰
۱۳۸۶	۸۶	۱۱۰۲
۱۳۸۷	۶۳	۹۳۰
۱۳۸۸	۵۱	۶۵۰
۱۳۸۹	۳۷	۴۲۰
۱۳۹۰	۹۰	۱۸۰
۱۳۹۱	۵۸	۱۵۲
۱۳۹۲	۶۲	۲۵۰
۱۳۹۳	۷۶	۱۱۰
۱۳۹۴	۱۱۳	۲۸۰
۱۳۹۵	۱۵۳	۳۱۴
۱۳۹۶	۱۶۱	۳۱۸
۱۳۹۷	۱۳۴	۲۲۵
۱۳۹۸	۷۹	۱۵۰
۱۳۹۹	۸۲	۱۴۴
۱۴۰۰	۵۶	۱۲۰
۱۴۰۱	۱۰۲	۱۴۰
۱۴۰۲	۷۵	۱۲۰

عنوان کتاب‌های منتشر شده در خارج از کشور



شمارگان کتاب‌های منتشر شده در خارج از کشور



۱۳ میلیارد بودجه برگزاری جشنواره فیلم کوتاه تهران



مهدی آذرپندار، دبیر چهل و یکمین جشنواره فیلم کوتاه تهران، در نشست خبری درباره حضور فیلم‌های سیاسی در این دوره گفت: «در این جشنواره فضا برای فیلم‌های سیاسی بازتر و برعکس، برای فیلم‌هایی که از نظر اخلاقی می‌خواهند تابوشکنی کنند، فضا بسته‌تر است. سال گذشته هم درباره ماجرای ۱۴۰۱ فیلمی داشتیم؛ چراکه در جشنواره ما نگاه بازتری حاکم است.» او همچنین درباره سهم سینمای مقاومت در جشنواره گفت: «بخش ویژه «شاخه زیتون» را خواهیم داشت که سال گذشته هم برگزار شد، خیلی نزدیک بود به زمان وقوع طوفان الاقصی. بخش «شاخه زیتون» فقط شامل فیلم‌های ارگانی نیست. فیلم‌های خارجی خوبی در این بخش شرکت دارند. دنیا درباره فلسطین فیلم می‌سازد و متأسفانه کیفیت فیلم‌های ما کمتر از فیلم‌های دنیا است. دو فیلم در بخش ملی درباره مقاومت حضور دارند. در بخش داستانی هم فیلم‌هایی داریم درباره حاج قاسم و شهید فخری‌زاده و میرزا کوچک خان و شهید لاجوردی و... به جز اینها دو فیلم درباره فروغ فرخزاد و عباس کیارستمی هم به عنوان مفاخر کشور داریم. هفت فیلم درباره دفاع مقدس داریم. در بخش شاخه زیتون ۱۷ فیلم داریم که ۹ فیلم آن ایرانی است و یکی، فیلم هوش مصنوعی است.» آذرپندار درباره بودجه این دوره از جشنواره گفت: «فکر می‌کنم امسال سازمان سینمایی حدود ۱۲-۱۳ میلیارد برای این جشنواره در نظر گرفته است. البته حامیان دیگری هم داریم. به دلیل جابه‌جایی دولت هاسال مالی سختی داشتیم ولی تلاش می‌کنیم به ویتیرین جشنواره ضربه نزنند.»

بررسی «فرهیختگان» نشان می‌دهد تعداد کمی از کتاب‌های منتشر شده در هر سال، ترجمه و در خارج از کشور توزیع می‌شوند

سقوط ۹۰ درصدی شمارگان کتاب‌های صادراتی



«کتاب نویسندگان ایرانی را دارید؟» این سؤال را وقتی در سفر روسیه بودم، از کتابفروشی‌های پرسیدم و بعد در انتهای می‌شردم چند کتاب ایرانی را در روسیه دیدم که ترجمه شده و مردم از آن استقبال می‌کنند. بعد از آن هم به همه کسانی که می‌شناسم که در رفت‌وآمد به کشورهای دیگری، می‌گفتم در گشت و گذارهایی که دارند، این سؤال را از کتابفروشی‌ها پرسیدم. یک دلیل مهم برای این کار، نبودن نهاد متولی است. یعنی هیچ نهادی آمار دقیق و متقنی از تعداد کتاب‌های ایرانی که به خارج از کشور می‌رود، ندارد. در طول ۴۶ سال که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، نمی‌دانیم چه تعداد کتاب از ایران به کشورهای مختلف رفته است. البته گاهی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمار را اعلام کرده اما باز هم نمی‌توان خیلی دقیق از تعداد این کتاب‌ها که مسافر کشورهای دیگری می‌شوند، خبر داشت. اردیبهشت‌ماه سال ۹۷، خبر پرورش شدن کتاب «بهترین شکل ممکن»، نوشته مصطفی مستور در آذربایجان و ترکیه خیرساز شد؛ کتابی که توسط ناشر ترک و با ترجمه مناسبی در این دو کشور منتشر شد و مورد استقبال قرار گرفت. اما تنها این کتاب نبود که توانست در کشورهای منطقه پر فروش شود؛ نمونه مشهور چند سال اخیر، ترجمه و انتشار کتاب‌های هوشنگ مرادی کرمانی در کشورهای منطقه است. هوشنگ مرادی کرمانی را همه مخاطبان ایرانی با «قصه‌های مجید» می‌شناسند اما وقتی کتاب «شما که غریبه نیستید» را نوشت، توانست در کشورهای منطقه نیز مخاطبان بسیاری را با خود همراه کند. در روسیه برای کتابش صف بستند و تا چند وقت در محافل ادبی این کشور او را دعوت می‌کردند. سازمان فرهنگ و ارتباطات یکی از آن سازمان‌هایی است که کتاب ترجمه را به آن طرف مرزها می‌برد. در گزارش امروز، به سراغ تعداد کتاب‌هایی رفتیم که از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۴۰۲ توسط این سازمان به خارج از کشور ارسال شده است.

گرت تعطیل شده؟

قطعا دولت و دستگاه دیپلماسی فرهنگی به عنوان مهم‌ترین بازوهای حمایتی برای سفر کتاب‌های ایرانی به کشورهای دیگر باید در کنار ناشران قرار بگیرند. برپایه همین سیاست و هدف است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سال ۱۳۹۴، طرح گرت را پیش کشید و برنامه‌هایی را بر مبنای آن پایه‌ریزی کرد. اگر بخواهیم طرح گرت را در یک جمله معرفی کنیم باید گفت این طرح برای حمایت و ترجمه آثار ایرانی در عرصه نشر بین‌الملل پایه‌ریزی شده است. طبق اعلام وزارت ارشاد، اهداف این طرح تقویت صنعت نشر ایران در حوزه نشر بین‌الملل، معرفی، اشاعه و گسترش ادبیات، فرهنگ و هنر ایران در جهان و فراهم‌سازی زمینه‌های حضور فعال، مؤثر و پایدار مؤسسات فرهنگی و هنری برای تولید و عرضه محصولات در نقاط مختلف جهان است. اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ این طرح را بررسی کردیم و از کتاب‌هایی گفتیم که از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ در لیست این طرح قرار گرفتند. در این گزارش تعداد کتاب‌ها، کشورهای مقاضی و زبان‌هایی که این کتاب‌ها به آن ترجمه شده‌اند را آوردیم و کره جنوبی مقصد اول کتاب‌های ایرانی بود. اما بعد از انتشار آن گزارش هر زمان از معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای آمار این طرح در دو سال اخیر (۱۴۰۱ و ۱۴۰۲) پیگیری کردیم، نتیجه‌ای نداشت و با این جمله مواجه شدیم: «می‌خواهیم در طرح گرت، تغییراتی ایجاد کنیم و صبر کنید تا این تغییرات انجام شود.» طی سه سال دولت سیزدهم فقط یک بار آمار طرح گرت اعلام شد و روی سایت این معاونت قرار گرفت. شنیده‌های «فرهیختگان» به نقل از ناشران حاکی از آن است که گرت در این دو سال آمار کم و رو به پایینی داشته است و تعداد کتاب‌هایی که مشمول این طرح شدند، بسیار اندک است. اینکه چرا این اتفاق افتاده مشخص نیست، البته این طرح بودجه کمی داشت و یکی از مشکلاتش همین بودجه اندک بود. اما باید دید فقط بودجه گرت را تعطیل کرده یا موضوعات دیگری هم وجود دارد؟

آمارها چه می‌گویند؟

جدولی که در این گزارش منتشر شده، عناوین و شمارگان کتاب‌هایی است که توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات طی سال‌هایی در دهه‌های ۸۰، ۹۰ و ۰۰ سده سال اخیر به کشورهای مختلف رفته است. با نگاهی به این آمار متوجه می‌شویم شمارگان طی این سال‌ها از هزار به ۱۲۰ رسیده است. شمارگان در طی این ۲۱ سال هم سقوط ۹۰ درصدی داشته که حتماً نگران‌کننده است و باید علایجی برایش پیدا کرد. نکته دیگری که می‌تواند قابل اعتنا باشد، مقایسه تعداد عناوین با کل کتاب‌های منتشر شده در سال‌های مختلف است. در سال ۱۴۰۱ طبق آمار خانه کتاب و ادبیات ایران، بالغ بر ۹۸ هزار و ۹۰۹ عنوان کتاب منتشر شده. اطلاعات این جدول نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۱، تعداد ۱۰۲ عنوان کتاب به خارج از کشور رفته، با کمی محاسبه متوجه می‌شویم که حدوداً ۱۰ درصد در دست کتاب‌های منتشر شده است. این در حالی است که در سال ۱۴۰۲، ۷۵ کتاب به خارج از کشور رفته، یعنی حدود ۶ درصد! البته حتماً همه کتاب‌های منتشر شده، حتماً مناسب ترجمه نیستند اما باز هم این تعداد آنقدر زیاد نیست و حتماً کتاب‌هایی که می‌توانند به آن سوی مرزها بروند، بیشتر از این تعداد است. این درصدها حتماً ناراحت‌کننده است و البته ترجمه کتاب در ایران و مشکلاتش فقط به این موارد ختم نمی‌شود و آنقدر موانع ریز و درشت وجود دارد که ناشر یا نویسنده را از کاری که می‌خواهد انجام دهد، پشیمان می‌کند. البته شاید گفته شود این آمار فقط مختص سازمان فرهنگ و ارتباطات است اما در بخش‌های دیگر هم خبری نیست و تعداد عناوین منتشر شده در همین حد باقی می‌ماند و بیشتر نمی‌شود.

کتاب به انبار رایزنی‌ها نرود

حالا که قرار است سیاست‌های جدید برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پایه‌گذاری شود، بد نیست وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون فرهنگی این وزارتخانه که امیدواریم زودتر معرفی شود، برنامه‌ریزی درستی را برای این موضوع مهم داشته باشند. گزارش‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد تعداد قابل توجهی از آثار ترجمه شده بعد از اینکه ترجمه شده و به کشور مقصد می‌رسند؛ طی چرخه‌ای میهمان از دسترس خارج می‌شوند و به دست مخاطبان نمی‌رسند. گاهی هم شنیده‌ای می‌شود که سرازاتبارهای دورافتاده درمی‌آوردند یا به عناوین مختلف از بین می‌روند؛ این به این معناست که تمام ایده‌ها و تلاش‌هایی که پشت ترجمه این آثار وجود دارد تا تیرش را به قلب مخاطب هدف خود نزنند، اصلاً به هدف نمی‌رسد! حتماً ارتباط مؤثر با آژانس‌های ادبی و از آن طرف رایزنی فرهنگی می‌تواند به پیشبرد این موضوع کمک کند تا کتاب‌های ترجمه شده سامان پیدا کنند.

منطقه را فراموش کردیم

ناشران ایرانی در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ حضور پررنگی در کشورهای همسایه مخصوصاً افغانستان داشتند اما این روند در سال‌های اخیر رو به کندی گذاشته است. ترکیه و پاکستان، جایگزین ما در این کشور شدند. از کشورهای فارسی زبان دیگر هم خیلی خیره‌های خوبی نمی‌رسد و تقریباً کتاب‌های ایرانی مگر با همت ناشران به آنجا برسند. موسی بیدج، شاعر ایرانی که کتاب‌های زیادی را به زبان عربی ترجمه کرده است، اشاره‌ای دارد به کاری که کشور مصر برای کتاب‌های فارسی انجام می‌دهد و می‌گوید: «سیاست‌گذاران فرهنگی مصری چند سال است که در برنامه‌ریزی‌های خود توجهی جدی به طرحی دارند که آن را «پروژه ملی ترجمه» می‌خوانند. جالب است که بدانید از یک هزار ترجمه نخست که انجام داده‌اند حداقل ۶۰ ترجمه به آثار ایرانی تعلق داشته که در میان آنها هم ادبیات قدیم و هم معاصرمان جایگاهی جدی دارد. مصری‌ها از ۸۰ سال قبل شروع آموزش زبان فارسی داشته‌اند، تنها بررسی مختصری کافی است تا با تعداد زیادی از فاع‌التحصیلات مصری در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری روبرو شوید. در جهان عرب شیفتگی زیادی نسبت به یادگیری و آشنایی با زبان ادبیات فارسی وجود دارد.» با وجود استقبالی که در کشورهای مختلف از آثار ایرانی وجود دارد، اما ما باز هم از این استقبالی که وجود دارد غافلیم و برنامه‌ای منسجم و منظم برای ترجمه آثار ایرانی نداریم.



بیش از ۳۰ درصد مخاطبان تلویزیون «طوبی» را دیده‌اند



سعید سلطانی، کارگردان سریال «طوبی» در گفت‌وگو با مهر درباره میزان رضایتش از این مجموعه گفت: «هدف همه سازندگان آثار نمایشی یا سایر برنامه‌ها این است که مجموعه‌ای بسازند که دیده شود. اگر اثری مخاطب نداشته باشد، انگار یک ارتباط ناقص بین اثر و مخاطب اتفاق افتاده است. درباره سریال طوبی هم همین ارزیابی صدق می‌کند. یک تفاوت بین بینندگان دوره‌های گذشته، مثلاً سریال «ستایش» و حال حاضر وجود دارد که حجم مدیا و برنامه‌هایی که الان در اختیار بینندگان است، بسیار بیشتر از دوران گذشته است. مردم انتخاب‌های بیشتری دارند و طبیعتاً دیده درصدی از سریال «طوبی» نسبت به سال‌های گذشته با برابری باید مطابقت داده شود و بعد مقایسه انجام شود که به چه اندازه دیده شده است.» او ادامه داد: «از بازخوردها آساری دقیق‌تری نداشتیم اما دوستان گفتند که تا قسمت ۲۸ و ۲۹ بیش از ۳۰ درصد دیده شده است. معتقدم بخش مهم بازخوردها از همین گفت‌وگوهای خودمان با اطرافیان و خانواده‌ها شکل گرفته است. این بازخوردها برای من یک متر و معیار خوب است؛ مردمی که از همه طبقات سنی و با هر شکل باور و عقیده‌ای با داستان و شخصیت‌های داستان ارتباط برقرار کرده‌اند، با توجه به این بازخوردها به گمانم، این سریال دیده شده است. گستردگی مخاطب تلویزیون به ما می‌گوید که ما دائماً باید روی این مسئله کار کنیم تا مجموعه‌های نمایشی ساخته شود که مخاطب با آنها ارتباط برقرار کند. این مسئله مؤلفه‌ها بردارهایی دارد که مدیران تلویزیون و همکاران ما بهتر از من می‌دانند.»